

بررسی اثرپذیری و موارد الگوبرداری از ایران پیش از اسلام در عصر قاجار با تکیه بر نقش برجسته‌های قاجاری*

سولماز حاجی علیلو[☆]

(تاریخ دریافت ۸۶/۵/۲۰، تاریخ تأیید ۸۶/۱۲/۴)

چکیده

از منظر باستان‌شناسی نقش برجسته‌ها یکی از قابل استفاده‌ترین منابع مطالعه و شناخت جوامع گذشته به‌شمار می‌روند. این دسته از آثار باستانی از عقاید، ارزش‌ها و رویدادهای تاریخی عصر خود و در نگاهی عمیق‌تر بازگوکننده شاخصه‌های فرهنگی، هنری، سیاسی و اجتماعی حاکم بر حکومت و جامعه‌ای که زائیده آن‌اند می‌باشند. علی‌رغم کثرت نقش برجسته‌های باقی مانده از ایران پیش از اسلام - که بیشترین آن‌ها از ساسانیان برجای مانده است - پس از ورود اسلام به ایران و تحریم کشیدن نگاره‌های انسانی و حیوانی، هیچ نقش برجسته‌ای از فرمانروایان این سرزمین در فضای آزاد تا دوره قاجاریه شناسایی نشده است. احیا سنت ساخت نقوش برجسته از شخص شاه در عصر قاجار در پی گرایش فتحعلی‌شاه دومین شاه قاجاری به فرهنگ و تمدن پیش از اسلام ایران بوده است. این گرایش‌ها که نه تنها توسط شاه قاجار بلکه دیگر افشار جامعه آن‌روز ایران دنبال می‌شد، بر هنر این عصر تأثیر گذارده و منجر به همانندسازی و الگوبرداری از عناصر هنری ایران باستان به‌ویژه هنر دوره ساسانی شده است. در این مقاله مقدمتاً سعی شده است تا عوامل مؤثر در گرایش فتحعلی‌شاه به ایران پیش از اسلام و اهداف مدنظر وی از احیا هنر سنگ‌تراشی پس از یک

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی است که در تاریخ ۸۵/۱۲/۱۶ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به راهنمایی آقای دکتر حسن کریمیان و مشاوره آقای دکتر ایرج تنهاتن ناصری دفاع شده است.
☆ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

وقفه طولانی شناسایی شود. همچنین با توجه به شکل‌گیری نفوش برجسته قاجار تحت‌تأثیر نقش برجسته‌های ساسانی، مشخص شود که آیا تأثیرپذیری فتحعلی‌شاه از ساسانیان به الگوبرداری از آثار هنری ساسانی محدود شده و یا موارد دیگری همچون ساختار اداری و اجتماعی عصر قاجار را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است؟ و از آن‌جا که نقش برجسته‌ها یکی از منابع معتبر در شناخت ماهیت عصر خود به‌شمار می‌آیند، امکان پاسخ به این پرسش براساس نقش برجسته‌های دو دوره نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مقدمه

پس از سقوط ساسانیان و استیلای اعراب بر ایران مردم این سرزمین در عین پذیرش مذهب جدید تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران پیش از اسلام را به دست فراموشی نسپرده و همواره سعی در حفظ و زنده نگاهداشتن آن داشته‌اند. شایان ذکر است در مقاطعی از دوران مذکور شاهد گرایش بیشتری به فرهنگ و تمدن پیش از اسلام هستیم که دوران حکومت قاجارها از جمله مقاطعی است که علاقه و توجه شاهان به فرهنگ پیش از اسلام ایران به‌طور ملموسی قابل تشخیص



تصویر ۱. نقش برجسته تنگه‌واشی که فتحعلی‌شاه و پسرانش را در حال شکار نشان می‌دهد (برگرفته از: مهجوری ۱۳۸۵)

است. گرایش به تاریخ و فرمانروایان نام‌آور گذشته ایران از همان ابتدای سلطنت قاجارها با روی کارآمدن آغامحمدخان آغاز و در عصر سلطنت فتحعلی‌شاه منحصرأ به صورت گرایش به تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران باستان دنبال شد. تحسین و ستایش شاهان و فرمانروایان پیش از اسلام نه تنها توسط شاه قاجار بلکه دیگر اقشار جامعه به خصوص روشنفکران این عصر نیز ابراز می‌شد. نکته قابل توجه آن‌که در عصر قاجار، به‌ویژه دوران سلطنت فتحعلی‌شاه به‌واسطه گرایش به ایران باستان بسیاری از عناصر فرهنگی و هنری پیش از اسلام مورد توجه و الگوبرداری قرار گرفتند. احیا سنت ساخت نقوش برجسته از شاه و درباریان بارزترین نشانه گرایش و تأثیرپذیری از فرهنگ و هنر ایران پیش از اسلام در دوره قاجار است. اهمیت نقش برجسته‌های قاجار از جنبه باستان‌شناسانه در این است که در دوره اسلامی برای اولین بار نقش شاه در منظر عموم و در ابعاد وسیع به صورت نقش برجسته به نمایش گذارده شده است. علاوه بر نقش برجسته‌های باقی‌مانده از شاهان قاجار آثار دیگری نیز از این دوره برجای مانده که تحت تأثیر هنر ایران باستان شکل گرفته و گویای توجه وافر به فرهنگ و هنر این دوره در عصر قاجار است. نکته قابل توجه آن‌که در آثار مذکور نشانه‌های الگوبرداری و همانندسازی با آثار متعلق به دوره ساسانی مشهود است و چنین به نظر می‌رسد که این آثار و به‌ویژه نقوش برجسته قاجار تحت تأثیر آثار هنری دوره ساسانی شکل گرفته باشند. علت این امر را باید در شناخت بیشتر جامعه آن‌روز ایران از دوره ساسانی و آثار باقی‌مانده از آن در مقایسه با دیگر ادوار درخشان تمدن ایرانی همانند عصر هخامنشیان دانست (سسانی، ۱۹۹۲: ۲۵۹). گرایش به ایران باستان تا دوره پهلوی نیز ادامه یافت و به جرأت می‌توان گفت که ناسیونالیسم ایرانی به‌عنوان مهم‌ترین مشخصه عصر پهلوی، پدیده‌ای متعلق به این دوره نیست بلکه این گرایش‌ها زائیده دوره قاجار و سرآغاز آن در عصر فتحعلی‌شاه است (همان، ۱۹۹۲: ۲۵۹).

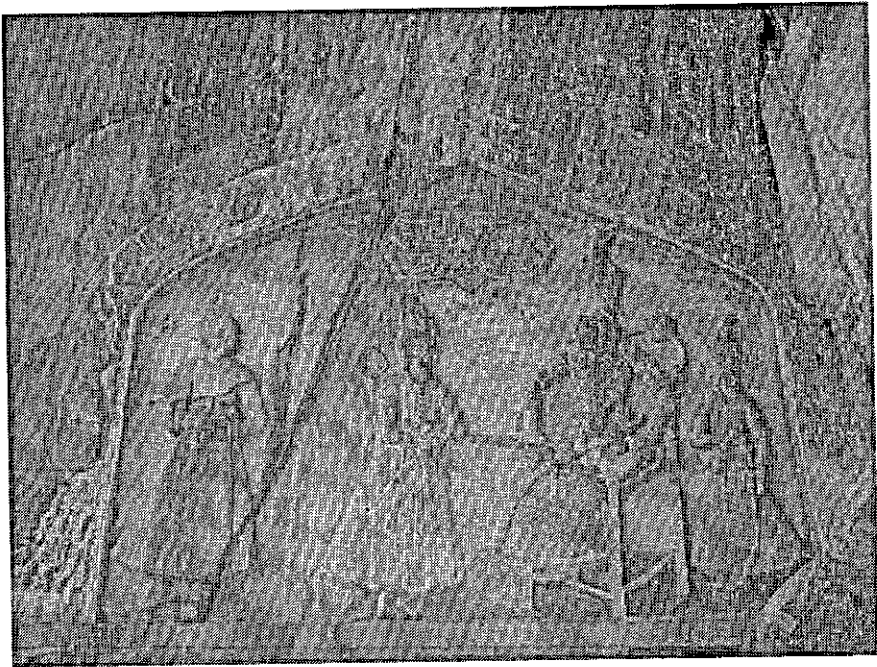
عوامل مؤثر در گرایش شاهان قاجار به فرهنگ و تمدن ایران پیش از اسلام

زمانی‌که آغامحمدخان قاجار بر اوضاع آشفته ایران مسلط شده و بر مسند سلطنت تکیه زد، خواهان حکومتی قدرتمند هم‌چون صفویان بود لیکن وی نه دعوی ضل‌اللهی داشت و نه غزلباشان وفادار تا ضامن حیات سلسله وی باشند. (مردیت، ۱۹۷۱: ۶۱) از این‌رو به منظور تحکیم پایه‌های سلطنت خویش و جانشینانش از هیچ کوششی فروگذاری نکرد و حتی عزیزترین نزدیکان خود را نیز قربانی دوام سلطنت قاجاریه کرد (دیولافوا، ۱۳۶۹: ۱۲۴). از جمله اقدامات وی ارج نهادن و همانندسازی با فرمانروایان مقتدر ایران به‌ویژه پادشاهان عصر صفوی



تصویر ۲. نقاشی متعلق به عصر تاجار که فتحعلی شاه و پسرانش را در حال شکار نشان می دهد
(برگرفته از: دیبا ۱۹۹۸)

به منظور هم پیوند شدن با آنان بوده است و در راستای این هدف سیاست‌هایی اتخاذ کرد که از جمله آن فرمان تهیه دو تابلو نقاشی از پیروزی نادرشاه بر فرمانروای مغولی کرنال و نبرد شاه اسمعیل با ترکان عثمانی بود که به چهار تابلوی نقاشی دیگری که در سالن پذیرایی کاخ چهلستون در اصفهان قرار داشتند، اضافه شدند، (دیبا ۳۳ و ۳۴: ۱۹۹۸) همچنین تابلوهای نقاشی با همان مضامین به علاوه تصاویری تزئینی از صحنه نبرد رستم و اسفندیار و چهره‌های قهرمانان افسانه‌ای ایران در دیوانخانه شهرسازی به فرمان آغامحمدخان قرار داده شد. (همان، ۱۹۹۸: ۳۴). در واقع هدف طراحان آثار هنری این دوران همانند کردن آغامحمدخان با پیروزی‌های پیشینیان بلافصل او و افتخارات فرمانروایان باستانی ایران بوده است (همان، ۱۹۹۸: ۳۴). تحسین و ستایش فرمانروایان نام‌آور و قهرمانان اساطیری ایران به منظور هم پیوند کردن دوران سلطنت قاجارها با آنها سیاستی بود که آغامحمدخان در پیش گرفت و با شدت بیشتری در دوره نسبتاً طولانی سلطنت فتحعلی شاه دنبال شد. علاوه بر هم نشینی فتحعلی شاه



تصویر ۳. نقش برجسته‌ای از محمدعلی میرزا دولتشاه در طاق بستان (عکس از نگارنده)

با آغامحمدخان که در علاقه‌مندی وی به تاریخ و شاهان نام‌آور گذشته ایران مؤثر بوده، بنا بر نظر لوفت اقامت فتحعلی‌شاه (باباخان) به‌عنوان ولیعهد آغامحمدخان و والی فارس در شیراز و آشنایی وی با آثار پیش از اسلام در تخت جمشید، نقش رستم، نقش رجب و نیشاپور نیز در جلب نظر وی به این دوره از تاریخ ایران تأثیرگذار بوده است. همچنین فتحعلی‌شاه در این دوره با تصاویر و نقش برجسته‌هایی از نبرد رستم و اشکبوس، رستم و دیو سپید و... که در دیوانخانه و ارگ زندیه در شیراز قرار داشت، آشنا شد (لوفت، ۲۰۰۱: ۴۱). علاقه و توجه سیاحان اروپایی عصر قاجار هم‌چون سر جان مالکوم و سر رابرت کرپورتر به آثار هخامنشی و ساسانی و ملاقات‌های خصوصی آن‌ها با فتحعلی‌شاه نیز در گرایش این شاه قاجاری به فرهنگ و تمدن ایران باستان به‌طور قابل توجهی مؤثر بوده است (همان، ۲۰۰۱: ۴۰).

آخرین عامل - که می‌توان گفت مهم‌ترین عامل مؤثر نیز هست - گرایش روشنفکران قاجاری به دوران پیش از اسلام به‌عنوان عصر زرین فرهنگ ایران است. در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه پس از شکست‌های سنگینی که سپاه ایران به‌علت فقدان تسهیلات جنگی از روس‌ها



تصویر ۴. نقش برجسته‌ای از حسین‌علی میرزا فرمانفرما در دروازه قرآن شیراز (عکس از نگارنده) متحمل شد، ایرانیان به ضعف خویش در مقابل دانش روز اروپا آگاه شده و اولین گروه دانشجویان از طرف عباس میرزا برای تحصیل علوم و فنون نظامی و آشنایی با تکنولوژی روز به اروپا اعزام شدند. همچنین از این دوره اروپاییان بیشتر از پیش به ایران سفر می‌کردند و ایرانیان در برخورد با اروپاییان در مقابل پیشرفت‌های صنعتی و علمی و ساختار منسجم و منظم جوامع اروپایی احساس ضعف و شکست می‌کردند. دانشجویان تحصیل‌کرده در اروپا که روشنفکران آن روز ایران را تشکیل می‌دادند، راه‌حل عقب‌ماندگی ایران را در بازگشت به آداب و رسوم و فرهنگ ایران باستان می‌دانستند (بیگدلو، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۹).

از جمله این روشنفکران میرزا فتحعلی آخوندزاده است که در کتاب *مکتوبات کمال‌الدوله‌ای‌ها*

نامه‌های کمال‌الدوله^۱ به انتقاد از سیاست، فرهنگ و مذهب جامعه ایران پرداخته، علت عقب‌ماندگی ایرانیان را در دوری از آداب و رسوم و فرهنگ پیش از اسلام می‌داند (همان، ۱۳۸۰: ۷). بعید به نظر نمی‌رسد که فتحعلی‌شاه با احساس ضعف در قبال شکست از روس‌ها و سپس آگاهی از عقب‌ماندگی کشورش در مقایسه با کشورهای اروپایی از ایده و راه‌حل روشنفکران تأثیر پذیرفته و با حجاری نقوش برجسته از خود به نحوی تلاش کرده باشد تا خود را همانند پادشاهان ایران باستان جلوه داده و از این طریق در قدرت آن‌ها سهمیم شود.

بازتاب‌گرایی به فرهنگ و تمدن ایران باستان در آثار باقی‌مانده از عصر قاجار

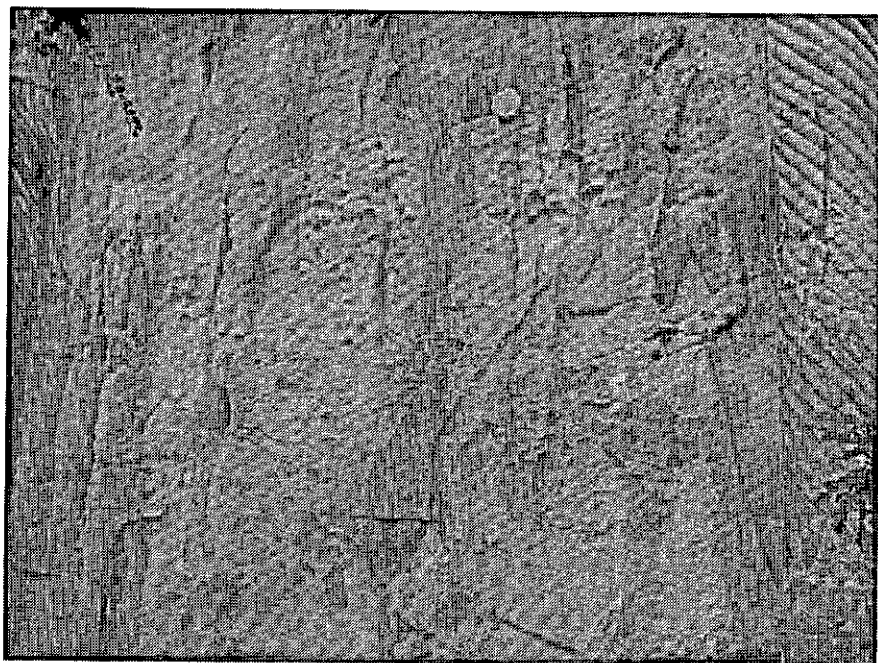
نقش برجسته‌های به جای مانده از فتحعلی‌شاه و پسران وی که در دوره اسلامی آثاری منحصر به فرد به‌شمار می‌آیند، بارزترین نشانه‌های گرایش و تأثیرپذیری از هنر ایران باستان در عصر قاجارند. قابل ذکر است که مقدم بر دوره قاجار نقش برجسته‌هایی از عصر زندیه بر جای مانده که البته تمامی آن‌ها شخصیت‌های داستانی و افسانه‌ای ایران هم‌چون رستم، مجنون و فرهاد را در داخل عمارت‌ها و ابنیه دوره زند به تصویر کشیده‌اند (گدار، ۱۳۶۵: ۴۴۷).

تاکنون هشت نقش برجسته از عهد قاجار شناسایی شده که قدیمی‌ترین آن‌ها به فرمان فتحعلی‌شاه در ۱۲۳۳ قمری در کنار رودخانه ساواشی واقع در دهکده جلیزچند در ناحیه فیروزکوه نقش شده است. در این نقش که شاه و شاهزادگان قاجار سرگرم شکار نشان داده شده‌اند، فتحعلی‌شاه سوار بر اسبی بزرگ‌تر از دیگر اسب‌ها در مرکز نقش و ۱۷ تن از پسرانش دورتادور او سوار بر اسب حجاری شده‌اند (تصویر ۱). در کتیبه‌ای که با خط نستعلیق در طرفین و بالای نقش حجاری شده شرح احوالات فتحعلی‌شاه و وقایع زمان سلطنت وی را همراه با اشعار و آیاتی از کلام‌الله ذکر کرده‌اند (میردانش، ۱۳۵۳: ۲). این نقش برجسته با شماره ۱۰۲۵ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. نمایش شاه در حال شکار به همراه شاهزادگان نه تنها در این نقش برجسته قاجاری بلکه در بسیاری از آثار هنری این عصر همچون نقاشی‌ها (تصویر ۲) و حتی در برخی جعبه‌های جواهرات تزئین شده با تکنیک لاک‌ی نیز به چشم می‌خورد و می‌توان گفت که مضمون رایجی در این عصر به‌شمار می‌رفته است.

در ایوان بزرگ طاق بستان در کنار نقوش ساسانی نقش برجسته‌ای از محمدعلی میرزا دولتشاه دومین پسر فتحعلی‌شاه (سپهر، ۱۳۷۷: ۵۲۵)، به‌جای مانده است که در ۱۲۳۷ قمری فرمان ایجاد آن را صادر کرده و توسط میرزا جعفر سنگ‌تراش حجاری شده است. در کتیبه‌ای که در جانب چپ این نقش قرار دارد شرح اختصاص درآمد سه دانگ از مزارع کیودخانی برای انجام

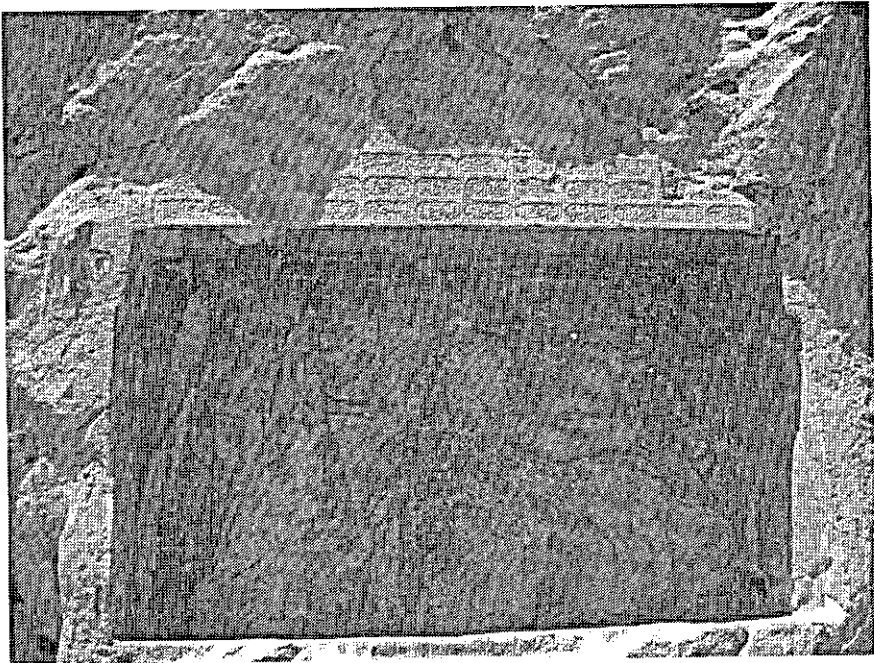
۱. قابل ذکر است که نگارنده موفق به مشاهده این نسخه نشد.

مراسم عزاداری امام حسین (ع) در ماه عاشورا و سایر عزاهای آمده است (مرادی، ۱۳۸۳: ۳۲). در این نقش محمدعلی میرزا بر صندلی شاهانه‌ای نشسته و به همراه دو پسرش که در طرفین او ایستاده‌اند، حجاری شده است (تصویر ۳). فردی نیز کمی دورتر در سمت چپ تصویر ایستاده که گویا خواجه باشی محمدعلی میرزا به نام «آغاغنی» باشد (همان، ۱۳۸۳: ۳۲). در تنگه الله اکبر و یا دروازه قرآن شیراز نیز دو نقش برجسته وجود دارد که یکی از آن‌ها حسین علی میرزا فرمانفرما پنجمین پسر فتحعلی شاه (سپهر، ۱۳۷۷: ۵۲۷) و حاکم فارس را سوار بر اسب در حال کشتن شیری که انسانی را در کام خود فرو برده نشان می‌دهد (تصویر ۴). قابل ذکر است که این نقش فاقد کتیبه است و عده‌ای آن را منسوب به رستم پهلوان اساطیری ایران می‌دانند که البته بی‌شبهت به تصاویر متداول از رستم در آن دوره هم نیست. اگر فرد اسب سوار را رستم فرض کنیم دلیل ایجاد آن را باید در این نظر فون گال بدانیم که عموماً در عصر قاجار با قهرمانان دوره قبل از اسلام که از شاهنامه شناخته شده بودند، مجدداً رابطه‌ای ایجاد شده بود

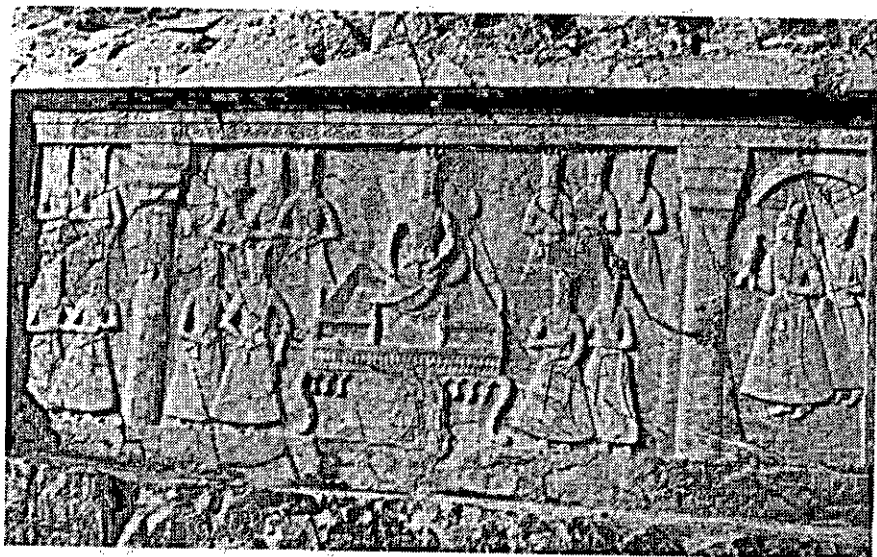


تصویر ۵. نقش برجسته فتحعلی شاه به همراه پسرش فرمانفرما و نواده‌اش تیمور میرزا در دروازه قرآن شیراز (عکس از نگارنده)

(فون گال، ۱۳۷۸: ۴۹). در نقش دیگر فتحعلی‌شاه نشسته بر تخت سلطنت در مرکز تصویر و فرمانفرما در سمت چپ وی و شاهزاده قاجاری که احتمالاً پسر فرمانفرما و نوه فتحعلی‌شاه، تیمور میرزا است در دست راست شاه حجاری شده است (تصویر ۵). این نقش که به شدت مورد فرسایش قرار گرفته همچون نقش قبل فاقد کتیبه است. بنابر نظر علیتقی بهروزی و محمدتقی مصطفوی این نقوش در ۱۲۱۸ قمری به فرمان فرمانفرما حجاری شده‌اند (بهروزی، ۱۳۵۴: ۱۱۹، مصطفوی کاشانی، ۱۳۸۱: ۵۲). پنجمین نقش برجسته متعلق به تیمور میرزا والی کازرون است که پنجمین پسر فرمانفرما (سپهر، ۱۳۷۷: ۵۲۷) بوده است (تصویر ۶). او در منطقه‌ای به نام پل آبگینه در کازرون فرمان به نقش تصویری از خود و مقربانش را در تاریخ ۱۲۴۵ قمری صادر نمود (لوفت، ۲۰۰۱: ۳۵). معروف‌ترین نقوش برجسته قاجاری در محل چشمه علی ری واقع است (تصویر ۷).



تصویر ۶. نقش برجسته تیمور میرزا نواده فتحعلی‌شاه و والی کازرون در منطقه پل آبگینه (عکس از نگارنده)



تصویر ۷. نقش برجسته فتحعلی‌شاه در چشمه علی ری (برگرفته از: دیبا ۱۹۹۸)

این مکان که از دوران پیش از تاریخ مورد توجه بوده و در طول دوران تاریخی از مراکز مهم استقرار به‌شمار می‌رفته است، مورد توجه فتحعلی‌شاه قاجار نیز قرار گرفته و در ۱۲۴۸ قمری فرمان حجاری نقشی از خود به همراه ۱۶ پسرش و تنی چند از درباریان را بر سینه کوه چشمه علی صادر کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۲۲۱۷). این حجاری یادآور نقاشی از فتحعلی‌شاه و پسرانش بر دیوارهای تالار نگارستان واقع در تهران است (تصویر ۸). در واقع مضمون نمایش شاه به همراه شاهزادگان یکی از رایج‌ترین مضامین آثار هنری عصر قاجار به‌شمار می‌آید. نقش دیگری در ۱۲۴۷ قمری به فرمان فتحعلی‌شاه در مکان معروف به سرسره ری نقش شد که متأسفانه در عصر پهلوی برای تأمین سنگ معدنی مورد نیاز کارخانه سیمان ری از بین رفت (افروند و پوربخشنده، ۱۳۸۱: ۵۷). در این نقش فتحعلی‌شاه در هیبت شکارچی شیر سوار بر اسب در حالی که نیزه بلندی را به طرف شیری نشانه رفته است، حجاری شده بود (تصویر ۹). شاه قاجار محلی را برای این نقش انتخاب کرده که در آن‌جا به گفته سیاحانی که از آن دیدن کرده‌اند، حجاری متعلق به دوره ساسانی وجود داشته

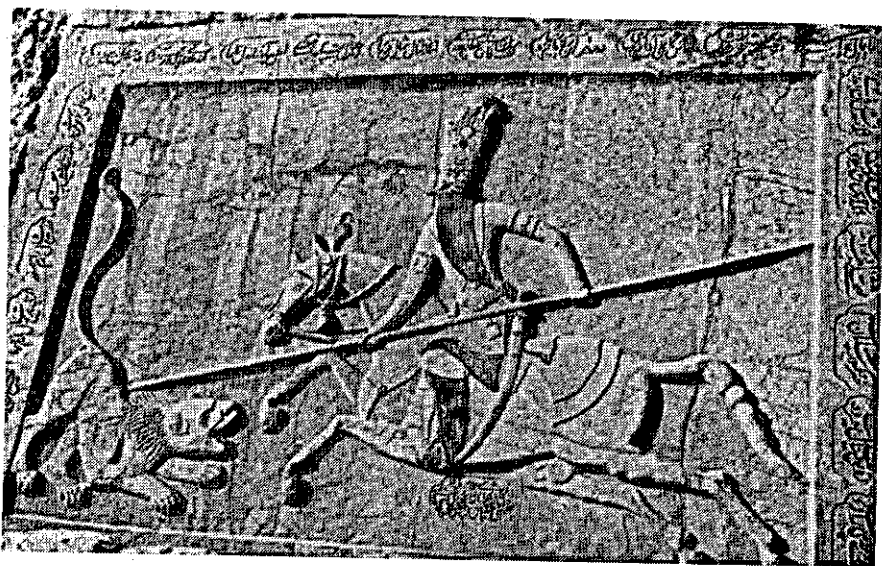


تصویر ۸. نقاشی از فتحعلی‌شاه به همراه پسرانش در تالار نگارستان (برگرفته از: دیبا ۱۹۹۸)
(تصویر ۱۰) که نقش برجسته فتحعلی‌شاه قاجار بر روی آن حجاری شده است (فون‌گال، ۱۳۷۸: ۴۹).

پس از یک وقفه چند ساله آخرین نقش برجسته قاجاری به فرمان ناصرالدین‌شاه در تنگه بندبریده واقع در جاده هراز و در مقابل آثار و بقایای راه‌سازی دوره ساسانی در تاریخ ۱۲۹۵ قمری حجاری شد (ستوده، ۱۳۴۹: ۴۵۲). این نقش برجسته با شماره ۶۲۷۲ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. در این نقش مضمون رایج در عصر فتحعلی‌شاه که بر نمایش شاه به همراه شاهزادگان قاجار تأکید دارد، دیگر مورد استفاده قرار نگرفته بلکه در آن شاه در میان ده تن از درباریانش به تصویر کشیده شده است (تصویر ۱۱) و کتیبه اطراف آن به شرح خدمات عمرانی شاه اختصاص یافته است (همان، ۱۳۴۹: ۴۵۲-۴۵۳). چنین به نظر می‌آید که با گذشت چند نسل از آغاز سلطنت قاجارها و تحکیم پایه‌های قدرت ضرورتی بر به کارگیری مضامین گذشته در آثار هنری وجود نداشته است.

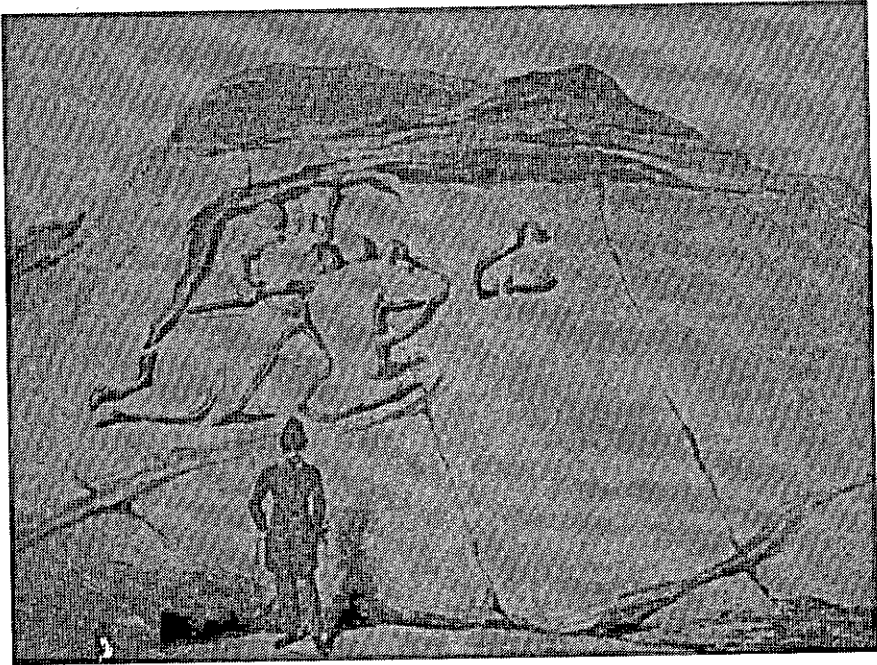
شایان توجه است که تمایل فتحعلی‌شاه به حجاری نقش خود تنها به نقش برجسته‌های

باقی مانده از وی محدود نشده است، سنگ مقبره این شاه قاجار نیز نقش برجسته تمام قدی از وی را به نمایش گذاشته است (تصویر ۱۲). ناصرالدین شاه قاجار نیز به تقلید از فتحعلی شاه سنگ قبر خود را به نقش برجسته‌ای از خود مزین کرده است. همچنین جالب توجه است که فتحعلی شاه اولین پادشاه ایرانی در دوره اسلامی است که نقش خود را بر روی سکه‌های رایج قلمروش نقش کرده است (رابینسون، ۱۹۹۲: ۲۹۸). نکته قابل ذکر دیگر آن‌که پس از سقوط ساسانیان برای اولین بار در دوره آل بویه بر روی سکه برخی از فرمانروایان آن همراه القاب دیگر لقب شاهنشاه نیز در متن سکه‌ها نوشته شده است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۱۹۶) و سپس در دوره سلطنت فتحعلی شاه لقب شاهنشاه برای بزرگداشت این شاه قاجار به کار رفته است.^۱



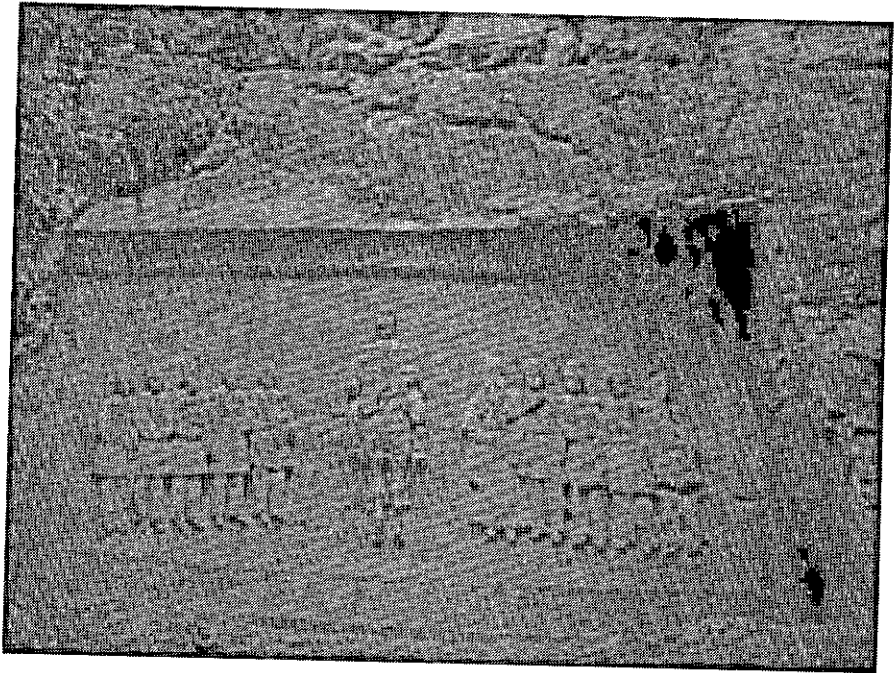
تصویر ۹. نقش برجسته از بین رفته فتحعلی شاه در سرسره ری (برگرفته از: دیبا ۱۹۹۸)

۱. ر.ک: قرارها و قراردادهای (عصر قاجار)، سیف‌الله وحیدنیا، انتشارات عطائی، تهران، ۱۳۶۲.



تصویر ۱۰. نقش برجسته ساسانی که نقش برجسته فتحعلی‌شاه بر روی آن حجاری شد (ترسیم از کرپورتو)

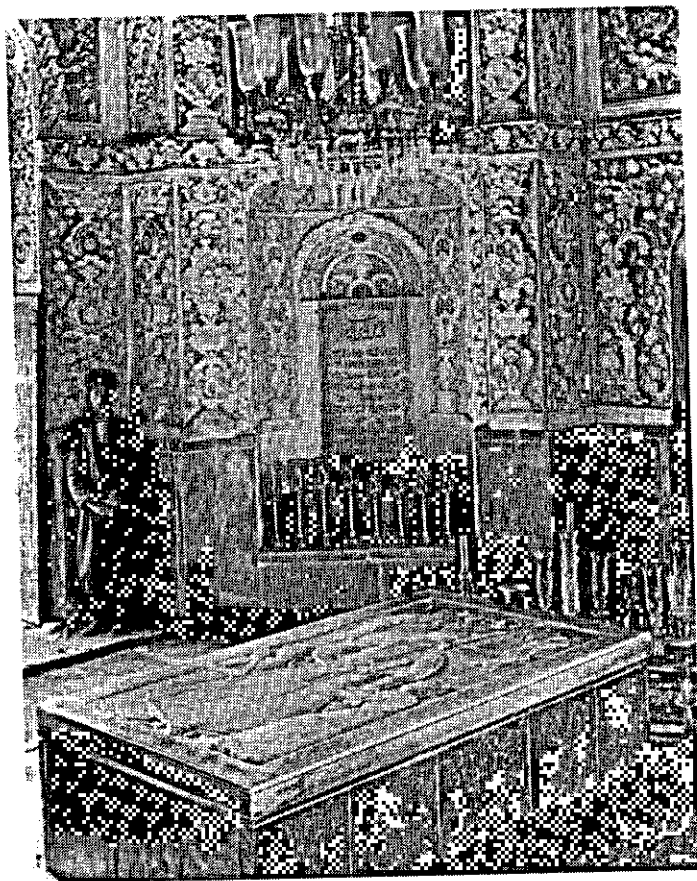
علاوه بر نقش برجسته‌های باقی‌مانده از شاهان قاجار آثار دیگری نیز از این دوره برجای مانده است که گویای توجه وافر به تاریخ و فرهنگ ایران باستان در عصر قاجارانند. از جمله این آثار عمارت بیلاقی مسعودیه در طاق بستان است (تصویر ۱۳). این بنا در ۱۳۴۲ شمسی بنا تصویب شورای عالی باستان‌شناسی تخریب شد اما در گزارشاتی که از این بنای قاجاری برجای مانده این چنین توصیف شده است: در نخستین برخورد محرز می‌گردد که ساختمان عمارت رابطه عمیقی با آثار ساسانی دارد. این رابطه با توجه به ابعاد، فرم، تناسبات، نوع طاق‌ها و شکل سرستون‌ها به خوبی بیان می‌شود و عمدی بودن همه این تشابهات و فراخوان‌ها روشن است (گزارش عمارت قاجاری مسعودیه). در همین محل در میان آثار به دست آمده تعدادی قطعات سنگی مستطیل شکل به چشم می‌خورد که تصاویری با مضامین شکار و مجالس بزم بر آنها حجاری شده است (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۱. نقش برجسته ناصردین شاه در میان ده تن از درباریانش واقع در جاده هراز (برگرفته از: افسر ۱۳۸۱)

این قطعات سنگی متعلق به دوره قاجارانند و به نظر می‌رسد که از بنای تخریب شده مذکور به دست آمده باشند.

از دیگر نشانه‌های تأثیرپذیری از فرهنگ و هنر دوره ساسانی نقش فرشته بالدار (نیکه) است که در لچکی‌های نقش برجسته تنگه‌واشی به کار رفته است (تصویر ۱۵). پس از آن در عصر قاجار معمول شد تا تمامی قصرها و خانه‌های اشرافی را با کاشیکاری‌ها و قاب‌های تندیس‌دار که دارای طرحی از عصر هخامنشی و ساسانی بودند، تزئین کنند (کرتیس، ۲۰۰۰: ۸۴) که نقش فرشته‌های بالدار یکی از متداول‌ترین این تزئینات به‌شمار می‌رفت (تصویر ۱۶). یکی از جالب توجه‌ترین بناهای قاجاری که در تزئینات آن بسیاری از عناصر فرهنگی و هنری ایران باستان به کار رفته‌اند تکیه معاون‌الملک در کرمانشاه است. در این بنا تصاویری از شاهان ایران باستان به‌ویژه شاهان ساسانی همچون شاپور (تصویر ۱۷) و همچنین تصاویر زرتشت و فروهر به

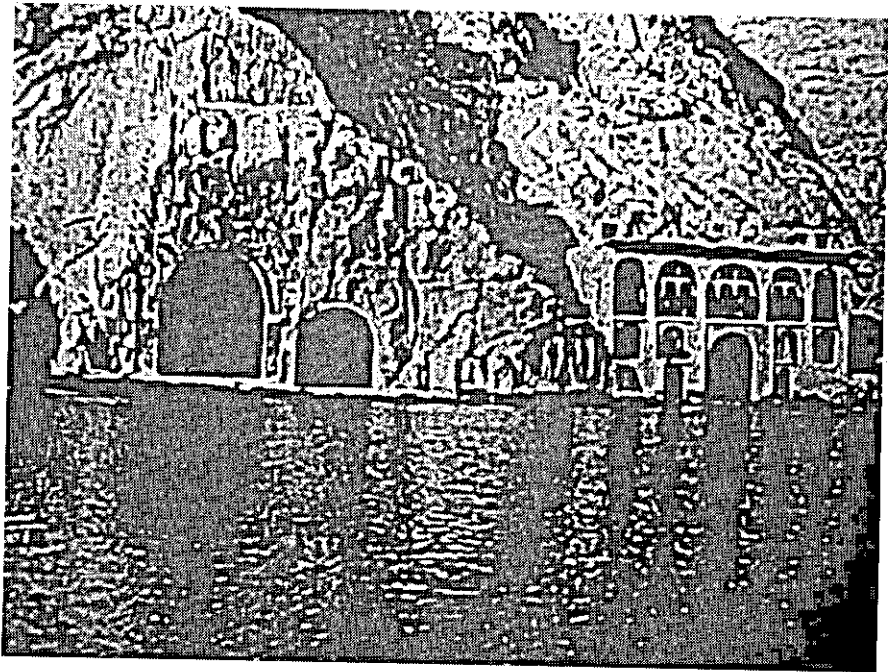


تصویر ۱۲. مقبره فتحعلی شاه با نقش برجسته تمام قدی از وی بر روی آن (برگرفته از: دیبا ۱۹۹۸)

مکتوباتی نیز از دوره قاجار باقی مانده که با گرایشی عمیق نسبت به تاریخ و فرهنگ ایران پیش از اسلام به رشته تحریر درآمده‌اند از نمونه‌های این کتب می‌توان به نامه خسروان^۱ که در زمینه تاریخ ایران باستان نوشته شده اشاره نمود که دارای تصاویر نقاشی شده فرضی از شاهان

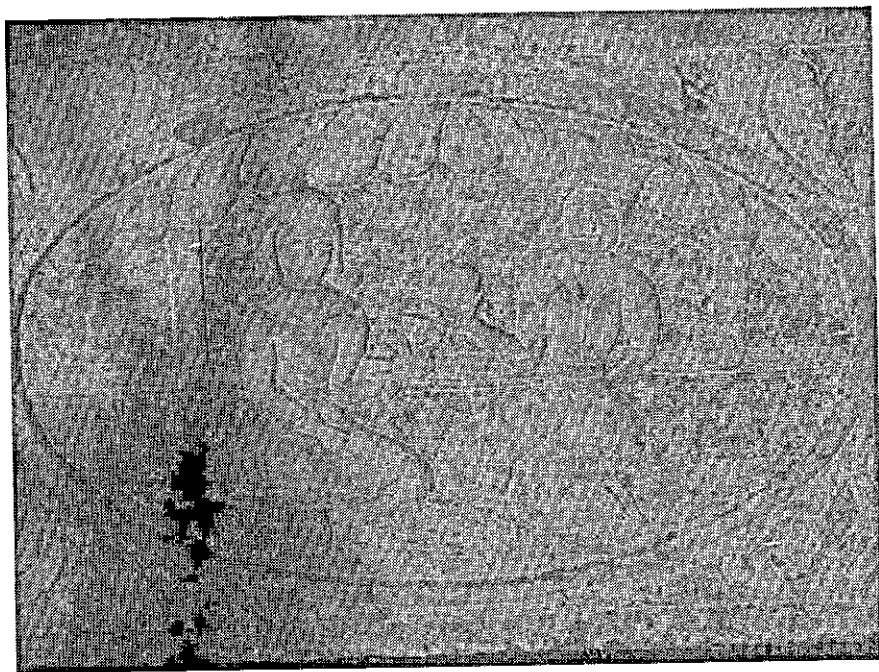
۱. نام کامل این کتاب نامه خسروان، داستان پادشاهان ایران از آغاز آبادیان تا انجام ساسانیان نوشته جلال‌الدین میرزا قاجار است. این کتاب دارای نسخه‌های متعددی با چاپ سنگی است که قدیمی‌ترین آن متعلق به ۱۸۶۷ م - ۱۲۸۵ ق است. در ۱۳۵۵ توسط سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی نسخه فتولیتوگرافی آن تهیه شده است.

ایران باستان می‌باشد. با توجه به این دسته از آثار در دوران حکومت قاجارها علاقه و توجه شگرفی نسبت به ایران باستان و آثار باقی‌مانده از آن دوران وجود داشته است (همان، ۲۰۰۰: ۸۴). نکته قابل توجه این‌که، در تمامی آثار مذکور نشانه‌های الگوبرداری و همانندسازی با آثار متعلق به دوره ساسانی مشهود است و چنین به نظر می‌رسد که این آثار به‌ویژه نقوش برجسته قاجار بیشتر تحت تأثیر آثار هنری دوره ساسانی ساخته شده باشند. در حقیقت بنا بر شواهد موجود به جرأت می‌توان گفت که در قرن ۱۹ و در زمان حکومت شاهان قاجار علاقه و توجه وافری به ایران باستان و آثار باقیمانده از آن دوران وجود داشته و به مرحله ظهور رسیده است.

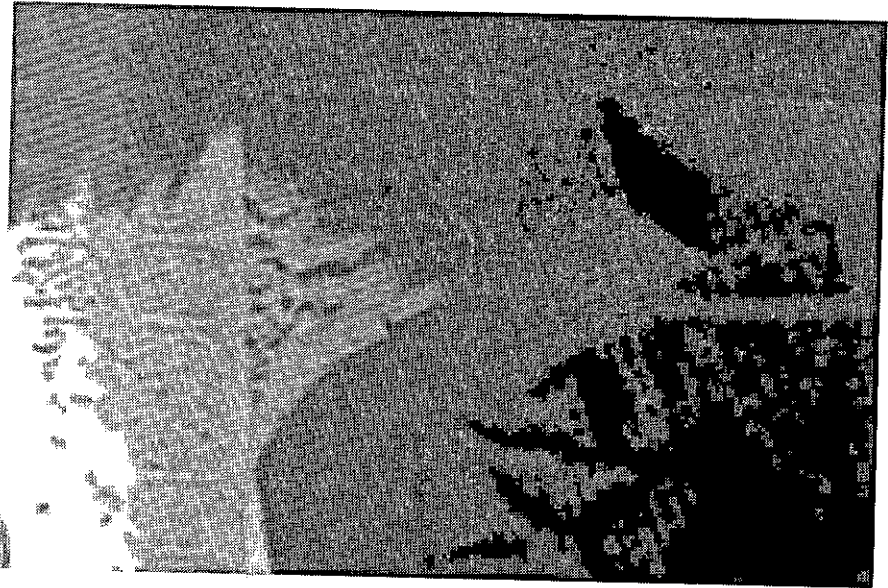


تصویر ۱۳. عمارت بیلاقی مسعودیه (برگرفته از: گزارش عمارت مسعودیه)

اهداف فتحعلی‌شاه از احیا سنت ساخت نقوش برجسته در دوره قاجار علی‌رغم این‌که آغامحمدخان، فتحعلی‌شاه را به‌عنوان ولیعهد خویش برگزیده بود، وی دوره پراشوبی از مدعیان سلطنت را طی کرد تا با آرامش بر تخت سلطنت تکیه زند (قدیانی،



تصویر ۱۴. نمونه‌ای از قطعات سنگی حجاری شده به دست آمده از طاق بستان (عکس از نگارنده) (۱۳۸۴: ۱۸). بدین ترتیب وی نیاز داشت تا برای بر طرف کردن خطر رقیبان و تحکیم پایه‌های سلطنت، خود را به صورت شاهی با قدرت بلامنازع در اذهان مردم جلوه دهد. فتحعلی‌شاه برای از بین بردن خطر رقیبان عامل قدرت را در افزودن هرچه بیشتر بر دامنه ایل و تبار خود می‌دانست تا با اتحاد با یکدیگر ضامن حفظ و دوام سلسله باشند (دیبا، ۲۰۰۶: ۷). وی هریک از پسرانش را به حکومت یکی از ولایات ایران گمارده بود تا بدین طریق سلطنت خود را از خطر حفظ کند، زیرا دوام و قوام شاهزادگان بر حکومت ولایات در گرو تداوم سلطنت فتحعلی‌شاه بود و به همین دلیل آن‌ها کمتر از در مخالفت با وی برمی‌آمدند و در جهت حفظ سلطنت می‌کوشیدند (ورهرام، ۱۳۶۷: ۴۸). یکی از اصلی‌ترین اهداف وی در نمایش گروه کثیری از پسرانش در نقش برجسته‌ها نمایش حامیان کثیر سلطنتش بوده است. علاوه بر نقش برجسته‌ها، تابلوهای نقاشی متعددی از این دوره بر جای مانده که مضمون آن‌ها نیز نمایش فتحعلی‌شاه به همراه پسرانش است. این حجاری‌ها و تابلوهای نقاشی متعدد علاوه بر این‌که به نمایش شکوه و عظمت شاه قاجار و دربار وی پرداخته‌اند، با نمایش تعداد کثیری از پسران



تصویر ۱۵. نقش فرشته بالدار که در لچکی‌های نقش برجسته تنگه واشی حجاری شده است و یادآور فرشته‌های بالدار در دو سوی ایوان بزرگ طاق بستان است. (برگرفته از: میردانش ۱۳۵۳)

فتحعلی‌شاه ضمن زدودن خاطره سترونی آغامحمدخان بر استمرار و دوام سلسله قاجار تأکید داشته‌اند (دیبا، ۱۹۹۸: ۳۶). هدف دیگری که فتحعلی‌شاه از حجاری نقش خود بر دل کوه‌های قلمروش در نظر داشته، همانندسازی با فرمانروایان ایران باستان بوده است. به‌طور کلی فتحعلی‌شاه با استفاده از تصاویر در صدد ارائه چهره‌ای متفاوت، قدرتمند و رمزآلود از خود نسبت به دیگر افسار قلمرو خویش برآمد تا بدین طریق بر دامنه نفوذ و قدرتش در میان عامه مردم بیافزاید. در کتیبه‌های حاشیه‌ای برخی از نقوش از خدمات عمرانی شاه و شاهزادگان و بذل و بخشش‌های آن‌ها در راه رفاه مردم قلمروشان سخن رفته است. به‌علاوه دلبستگی و شیفتگی شاه به اسلام و اهل بیت نیز با شرح موقوفات و درآمدهای اختصاص یافته به مراسم عزاداری و... در کتیبه‌های حاشیه نقوش برجسته، پیوند آن‌ها را با مردم تعمیق می‌بخشید. در حقیقت فتحعلی‌شاه و اخلاف وی از نقش برجسته‌ها برای تبلیغ اقدامات عمرانی و خدماتی که در جهت همنوایی با مردم و کاستن از مشکلات و سختی‌های آن‌ها انجام داده‌اند و همچنین اعلام حمایت



تصویر ۱۶. منزل صالحی در شیراز که با نقش فرشته‌های بالدار بر روی کاشی تزئین شده است.
(عکس از نگارنده)

از شعائر مذهب شیعه در راستای جلب نظر مردم و محبوبیت خویش بهره می‌بردند. آن‌چه که نقش برجسته‌های قاجار را در میان تمامی آثار دوران اسلامی منحصر می‌سازد این است که با توجه به منع مذهبی در مورد حجاری و پیکرتراشی برای اولین بار در دوران پس از اسلام شاه تصویر خود را به صورت نقش برجسته‌ای در فضای آزاد و منظر عموم مورد نمایش قرار می‌دهد تا بدین طریق بر قدرت خویش بیافزاید. اما در پاسخ به این پرسش که چگونه امکان شکل‌گیری چنین آثاری با توجه به منع مذهبی آن در دوره اسلامی وجود داشت، می‌توان گفت که احیاً سنت ساخت نقوش برجسته از شاه قاجار و دربارانش و عدم مخالفت علما و روحانیون با آن به علت تسامح مذهبی و رابطه خوب فتحعلی شاه و روحانیون بوده است (ورهرام، ۱۳۶۷: ۱۵۵). عامل دیگر علت اصلی ممانعت دین اسلام با شمایل‌نگاری و تصویرگری است که مطابق با آن هر نوع تصویرگری که منجر به انحراف عقاید دینی مسلمانان و بت‌پرستی آن‌ها باشد، حرام است (عکاشه، ۱۳۸۰: ۷). در حقیقت اگر شمایل‌نگاری و تصویرگری و حجاری



تصویر ۱۷. کاشیکاری با نقش شاپور دومین شاه ساسانی در تکیه معاون الملک (عکس از نگارنده)
 نقوش برجسته از افراد حقیقی با هدف شریک قائل شدن برای ذات یگانه الوهیت صورت نگیرد هیچ‌گونه منع مذهبی را به دنبال ندارد (بورکهارت، ۱۳۵۶: ۴۰). از ادت فتحعلی شاه به اهل بیت، اختصاص درآمدهایی به فعالیت‌های مذهبی و روابط نزدیک وی با روحانیون عصر قاجار نیز مهر تأیید دیگری بر عدم مخالفت علما با حجاری نقوش برجسته از شخص شاه و پسرانش بوده است.

شباهت‌ها و تفاوت‌های نقوش برجسته قاجار و ساسانی

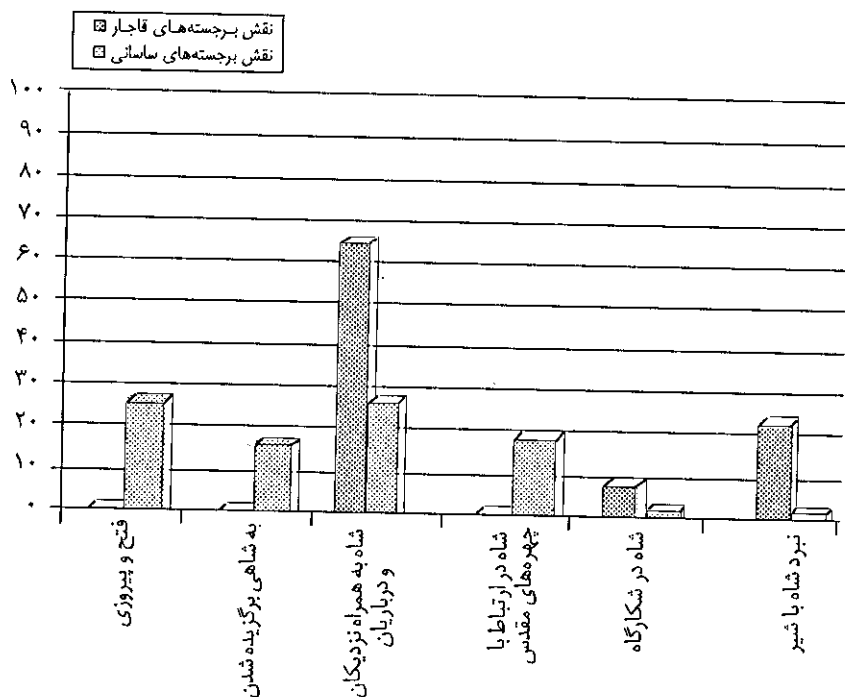
در بررسی نقش برجسته‌های قاجار مواردی از تأثیرپذیری و الگو برداری از نقوش برجسته ساسانی مشخص شد. جالب توجه این‌که بیشتر نقوش برجسته‌های قاجاری در محل و یا محدوده نقوش برجسته ساسانی حجاری شده‌اند (تصویر ۱۸). موارد دیگری که گویای تأثیرپذیری از نقوش برجسته دوره ساسانی‌اند تشابه مضامین، اهداف مورد تأکید، همراهان شاه و عناصر تزئینی و هنری نقش برجسته‌ها هستند. از جمله نقوش برجسته‌های قاجار که دارای مضمون

مشترک با نقوش برجسته ساسانی‌اند، می‌توان به نقش برجسته فتحعلی شاه در سرسره ری اشاره کرد که همانند نقش برجسته بهرام دوم در سرمشهد شاه را در حال شکار شیر نشان می‌دهد. نقش برجسته تنگه واشی نیز دارای مضمون مشترکی با نقوش برجسته مفصل شکارگاه خسرو دوم در طاق بستان است. همچنین نقش برجسته فتحعلی شاه به همراه پسر و پسرزاده‌اش در دروازه قرآن یادآور نقوش برجسته اردشیر و شاپور اول است که شاه در کنار شاهزادگان ساسانی نمایش داده شده است. آخرین نقش برجسته قاجار که ناصرالدین شاه را در میان جمعی از وزرای دربارش نشان می‌دهد نیز به نقش برجسته بهرام دوم در میان چهار مقام اول حکومتی‌اش واقع در سراب شبیه است. با توجه به نمودار ۱ بیشترین مضمون تکرار شده در دورهٔ قاجار نمایش شاه به همراه شاهزادگان و درباریان با درصد فراوانی ۶۶/۶۷٪ است. این در حالی است که از میان ۳۱ نقش برجسته متعلق به دورهٔ ساسانی ۳۰/۶۲٪ به این مضمون اختصاص دارند. دو مضمون مشترک بعدی به ترتیب نبرد شاه با شیر و نمایش شاه در شکارگاه است.



تصویر ۱۸. پراکندگی مکانی نقوش برجسته قاجار و ساسانی

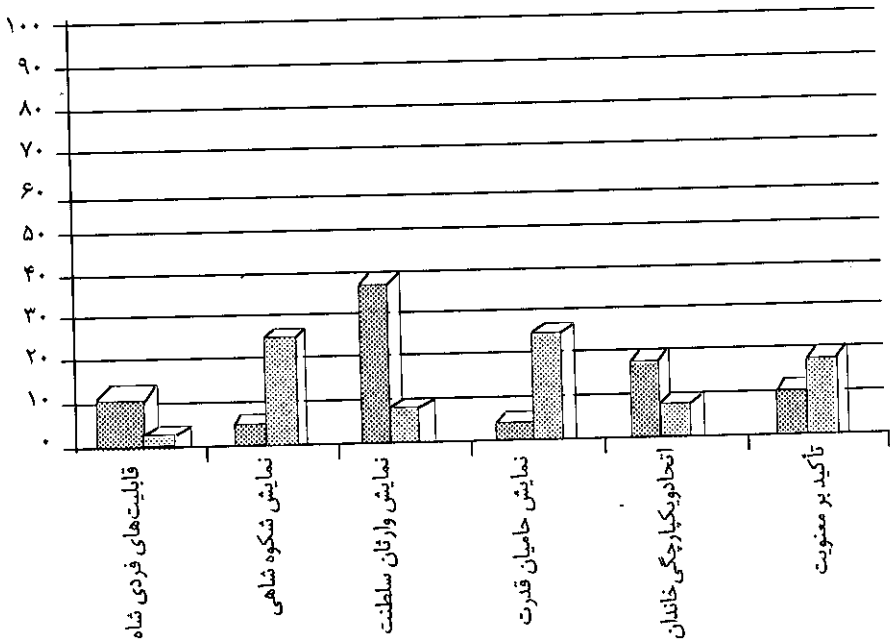
مضمون شاه به همراه چهره‌های مقدس که مکرراً در نقوش برجسته ساسانی به تصویر کشیده شده، در هیچ‌یک از نقوش برجسته قاجار به چشم نمی‌خورد. مضامین دیگری که در نقش برجسته‌های ساسانی به چشم می‌خورد دریافت منصب شاهی و نمایش فتوحات شاه است که همچون مضمون پیشین در هیچ‌یک از نقش برجسته‌های قاجار به کار نرفته است. همان‌طور که در نمودار ۲ مشخص است بیشترین نکته و هدف مورد تأکید در نقش برجسته‌های دوره قاجار نمایش وراثان سلطنت بوده که ۴۰٪ نقوش را به خود اختصاص داده است. پس از آن اتحاد و یکپارچگی خاندان شاهی با ۲۰٪ فراوانی بیشترین اهداف مورد تأکید در نقش برجسته‌های قاجار هستند. در نمودار ۳ مشخص



نمودار ۱. فراوانی مضامین مشابه در نقوش برجسته قاجار و ساسانی

است بیشترین افرادی که در کنار شاه قاجار نمایش داده شده‌اند شاهزادگان قاجاری‌اند، در حالی که در نقوش برجسته ساسانی روحانیون و دیگر مقامات عالیه حکومتی بیشترین افرادی هستند که در کنار شاه تصویر شده‌اند. همچنین نقش ملکه که در برخی از نقش برجسته‌های ساسانی به‌عنوان یکی از همراهان شاه حضور دارد، در هیچ‌یک از نقوش برجسته قاجار به چشم

نمی‌خورد. براساس نمودار ۴ در اکثر نقش برجسته‌های قاجار همانند نقوش برجسته دورهٔ ساسانی به منظور تأکید بر مقام برتر شاه نقش وی بزرگ‌تر از اطرافیان‌ش حجاری شده است. همان‌طور که در قبل اشاره شد نقش فرشتهٔ بالدار که نمونه‌ای از عناصر تزئینی عصر ساسانی است، در نقش برجسته فتحعلی‌شاه در تنگه واشی نیز به کار رفته است اما در هیچ‌یک از نقوش برجسته قاجاری برخلاف نقوش برجسته ساسانی اصل تقابل نقوش رعایت نشده است. قابل توجه است که نقوش برجستهٔ قاجار کاملاً براساس سبک و شیوهٔ تصویرگری رایج در این عصر حجاری شده‌اند به طوری که میان نقش برجسته‌ها و نقاشی‌های این عصر هیچ تفاوتی به چشم نمی‌خورد.

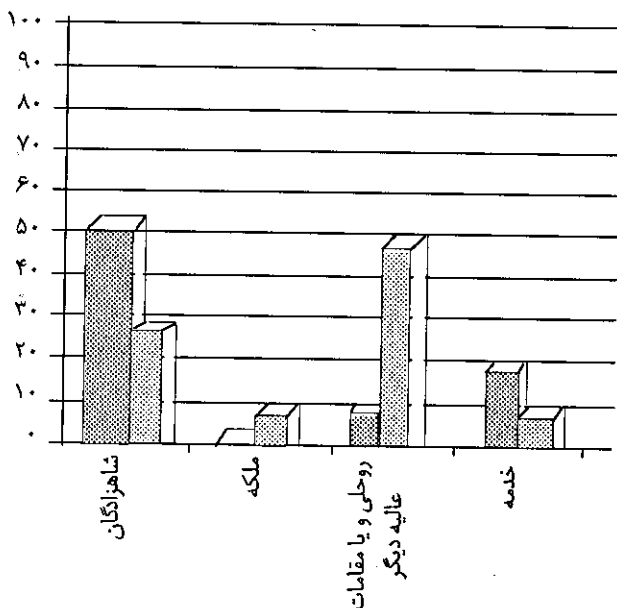


نمودار ۲. فراوانی شباهت اهداف مورد تأکید در نقوش برجستهٔ دورهٔ قاجار و ساسانی

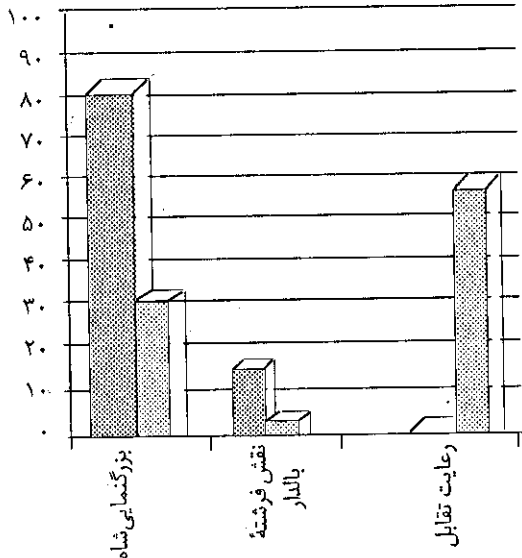
گسترهٔ تأثیرپذیری از ساسانیان

نظر به علاقه شاهان قاجار به الگوبرداری و همانندسازی با هنر دورهٔ ساسانی - که در مباحث قبلی بدان اشاره شد - این پرسش مطرح می‌شود که آیا تأثیرپذیری از ساسانیان در

ساختار اجتماعی و تشکیلات اداری قاجار نیز رسوخ کرده یا تنها در هنر این عصر به ظهور رسیده است؟ پاسخ به این پرسش نیز با مقایسه میان ساختار اجتماعی و مناصب حکومتی دو دوره به دست آمد. با مقایسه هرم‌های رسم شده از طبقات اجتماعی دو دوره ساسانی و قاجار (تصاویر ۱۹ و ۲۰) مشخص شد که تعداد طبقات اجتماعی در هر دو دوره ساسانی و قاجار پنج طبقه بوده لیکن این دو نظام اجتماعی کاملاً شبیه به یکدیگر نیستند و جابه‌جایی‌هایی در سطح و اهمیت طبقات صورت پذیرفته است. نظام اجتماعی ایران در عصر ساسانی - به غیر از طبقه اول که شاه و خاندان شاهی را در بردارد - از چهار طبقه اصلی تشکیل شده بود که به ترتیب اهمیت شامل طبقه روحانیون، سپاهیان، دبیران و مولدان ثروت بود (کریستین سن، ۱۳۶۷: ۸۳). این در حالی است که چهار طبقه اصلی در نظام اجتماعی ایران دوره قاجار به ترتیب اهمیت عبارتند از عمال دیوانی (شاهزادگان، اعیان و اشراف)، علما و طلاب، صاحبان زمین و تجار و فلاحین و اصناف (ورهرام، ۱۳۶۷: ۱۲۴-۱۲۵). در عصر ساسانیان روحانیون مهم‌ترین طبقه اجتماعی بوده و در ارتباطی نزدیک با فرمانروایان ساسانی قرار داشتند (مهرین شوستری، ۱۳۴۹: ۴۹)، لیکن در دوره قاجار عمال دیوانی که اداره تمامی امور کشور را عهده‌دار بودند سبب فاصله این طبقه با حوزه سلطنت شده‌اند. دو طبقه دیگر

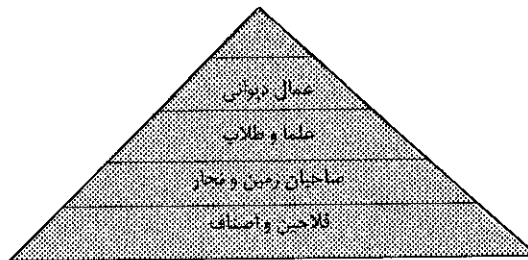


نمودار ۳. فراوانی شباهت در همراهان شاه در نقش برجسته‌های قاجار و ساسانی

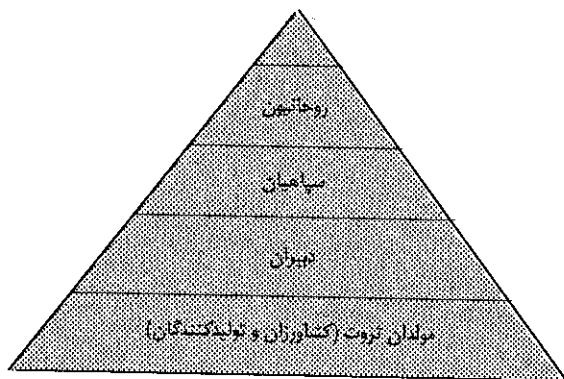


نمودار ۴. فراوانی عناصر هنری و تزئینی همسان در نقش برجسته‌های قاجار و ساسانی

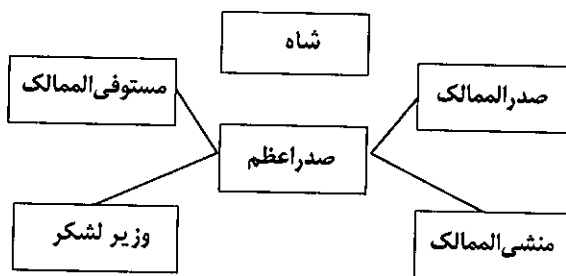
به نام صاحبان زمین و تجار به‌علاوه فلاحین و اصناف در دوره ساسانی مجموعاً طبقه مولدان ثروت را تشکیل می‌داده‌اند. نتیجه مقدماتی آن‌که، در عصر فتحعلی‌شاه هیچ اقدامی به‌منظور همانندسازی آگاهانه از طبقات اجتماعی ساسانیان صورت نگرفته و می‌توان گفت که ساختار جامعه قاجار براساس مقتضیات زمان و الگوهای پیشین شکل گرفته است. تصاویر ۲۱ و ۲۲ که ساختار اداری دو دوره را نشان می‌دهند - نیز بیشتر مبین تفاوت میان نظام اداری ساسانی و قاجارند تا شباهت آن‌ها. در عصر سلطنت ساسانیان نظام اداری منطبق بر ساختار اجتماعی آن دوران بوده که براساس آن رئیس و سرپرست هر یک از طبقات به‌عنوان یکی از قوای حکومتی عهده‌دار اداره امور کشور تحت نظارت وزیر اعظم بوده است (کریستین سن، ۱۳۶۷: ۸۳).



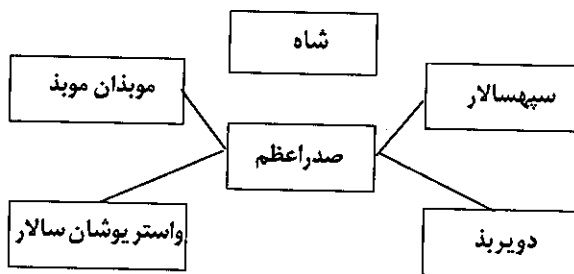
تصویر ۱۹. ساختار اجتماعی عصر قاجار



تصویر ۲۰. ساختار اجتماعی عصر ساسانی



تصویر ۲۱. ساختار اداری عصر قاجار



تصویر ۲۲. ساختار اداری عصر ساسانی

جالب توجه است که در سنگ نگاره ساسانی واقع در سراب، بهرام دوم در میان چهار تن

از این مقامات عالیه کشوری نقش شده است (معمدی‌نسب، ۱۳۷۸: ۲۸). این نقش تنها نقش برجسته ساسانی است که چهار مقام برتر مملکتی عهد ساسانی در آن معرفی شده‌اند.

تطابقی که میان ساختار اجتماعی و مقامات عالیه دولتی در دوره ساسانی وجود دارد در عصر قاجار به چشم نمی‌خورد. نظام اداری ایران عصر قاجار متشکل بود از صدراعظم با عنوان و لقب اعتمادالدوله، صدراالممالک یا صاحب دیوان، وزیر لشکر، منشی‌الممالک یا همان رئیس دفتر و مستوفی‌الممالک یا وزیر دارایی که عهده‌دار امور مالی است (باقری، ۱۳۷۱: ۵۱). در هیچ‌یک از نقش برجسته‌های عصر قاجار شاه به همراه این مقامات عالیه مملکتی حجاری نشده است. تنها ناصرالدین‌شاه در نقش تنگه بریده در میان ده تن از وزرای دربارش که غیر از مقامات عالیه دولتی بوده‌اند، نمایش داده شده است. به نظر می‌آید فتحعلی‌شاه که ساختار اداری عصر خود را مبنی بر نظام اداری عصر صفوی بنیان نهاده بود، (اخضری، ۱۳۷۸: ۲۵-۲۶) اقدام به تغییر در این نظام مبنی بر الگوی متعلق به عصر ساسانی نکرده باشد.

نتیجه‌گیری

در عصر قاجار به‌ویژه دوران سلطنت فتحعلی‌شاه شاهد توجه به فرهنگ و تاریخ ایران پیش از اسلام و همانندسازی و الگوبرداری شاهان قاجار از فرمانروایان ایران باستان هستیم. به واسطه این گرایش عناصر هنری و فرهنگی پیش از اسلام ایران مورد توجه قرار گرفتند، به‌نحوی که تأثیرپذیری و الگوبرداری از فرهنگ و تمدن پیش از اسلام در آثار هنری دوره قاجار به خوبی قابل تشخیص است. احیای سنت ساخت نقش برجسته‌هایی از شاه و درباریان، ساخت بناهایی همچون تکیه معاون‌الملک که با تمثال پادشاهان و عناصر تزئینی و فرهنگی پیش از اسلام آراسته شده‌اند، عمارت تخریب شده مسعودیه در طاق بستان که کاملاً براساس معماری دوره ساسانی احداث گشته بود، کتبی که در زمینه تاریخ و آثار باقی مانده از ایران باستان به رشته تحریر درآمده و مکتوباتی که بر لزوم بازگشت ایرانیان به آداب و رسوم کهن و باستانی خویش تأکید دارند، همگی شاهدان خوبی بر این مدعا هستند. قابل ذکر است که در این الگوبرداری بیشترین تأثیرپذیری از فرهنگ و هنر ساسانیان به چشم می‌خورد که علت آن را می‌توان در شناخت بیشتر جامعه آن روز قاجار و به‌طورکل تمامی شرق‌شناسان و باستان‌شناسان از فرهنگ و تمدن ساسانی دانست. در میان آثار مذکور نقش برجسته‌های قاجاری بارزترین نشانه

الگوبرداری از هنر ایران باستان به شمار می‌آیند، چراکه پس از ورود اسلام به ایران برای اولین بار نقش شاه در ابعاد وسیع و در خارج از حوزه دربار به صورت نقش برجسته به نمایش درآمده است. در مقایسه‌ای که میان نقش برجسته‌های قاجار و ساسانی صورت گرفت مواردی از همانندسازی هنری در نقش برجسته‌های قاجار مشخص شد اما تفاوت‌های فراوانی نیز در مواردی همچون اهداف، همراهان شاه و مضامین وجود داشت. در بررسی امکان تأثیرپذیری از ساسانیان در حوزه تشکیلات اداری و نظام طبقاتی اجتماع به هیچ مورد مشترکی دست نیافتیم. جالب توجه است که برخلاف دوره ساسانی در هیچ‌یک از نقوش برجسته قاجاری مقامات عالیه دولتی و حکومتی در کنار شاه تصویر نشده‌اند. در عصر ساسانی هر چند معهود، در برخی از نقش برجسته‌های این دوره شاه به همراه چهار مقام و یا یکی از مقامات عالیه دولتی نقش شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به نقش بهرام دوم در سراب اشاره کرد. البته نقوش برجسته هیچ‌یک از دو دوره امکان بررسی چگونگی طبقه‌بندی اجتماعی و مطالعه اقتضار مختلف اجتماع را فراهم نمی‌سازند لیکن با بررسی اسناد و مدارکی که گویای نحوه تقسیمات اداری و اجتماعی ادوار قاجار و ساسانی بودند، مشخص شد که فتحعلی شاه هیچ‌گاه درصدد تغییر در نظام اجتماعی و ساختار اداری که براساس شیوه‌های حکومتی صفویان بنیان نهاده بود، برنیامد.

درواقع با توجه به همانندسازی فتحعلی شاه قاجار و جریان‌های فکری شکل گرفته آن‌روز جامعه قاجار در مقابل ضعف و عقب‌ماندگی ایران در مقابل کشورهای غربی که راه نجات را در بازگشت به سنن و آداب و رسوم ایران پیش از اسلام می‌دانستند هیچ اقدام بنیادی برای تغییر و تحول ساختارهای حکومتی، سیاسی و اجتماعی ایران منطبق با ایران باستان صورت نگرفت. اعزام دانشجویان به غرب برای فراگیری علوم و فنون جدید تنها حرکتی بود که با هدف پیشرفت علمی و صنعتی ایران صورت پذیرفت که آن‌هم منجر به نوعی بهت و جبریت‌زدگی در مقابل تمدن غرب شد. شاید بتوان گفت که علاقه و توجه فتحعلی شاه به تاریخ، فرهنگ و تمدن پیش از اسلام در حد یک همانندسازی و الگوبرداری ظاهری از شاهان ایران باستان به عنوان الگوی قدرت و در میان روشنفکران و تحصیل‌کردگان در حد یک شیفتگی محدود می‌شده است. با این وجود نگرشی که در دوره قاجار نسبت به تاریخ و فرهنگ ایران باستان پدید آمد متفاوت از دوره‌های قبل بود. این نگرش سرآغاز تحولات فکری و فرهنگی جالب توجهی در ایران شد که از عصر ناصری به بعد با آغاز حفاریات باستان‌شناسان غربی در ایران و رشد آرکائیسیم، پررنگ‌تر از قبل حتی تا دوره پهلوی نیز به راه خود ادامه داد.

منابع

- اخضری، ع.، ۱۳۷۸، ساختار اداری و دیوانی در نیمه اول دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۲۶۴ ق.ه)، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه تاریخ.
- اعتمادالسلطنه، م. ح.، ۱۳۶۸، مرآت البلدان، جلد ۴، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- افروند، قدیر و خسرو پوربخشنده، ۱۳۸۱، گزارش پژوهشی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی-فرهنگی حوزه فرمانداری ری، مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی کشور.
- افسر، آ.، ۱۳۸۱، گزارش میراث فرهنگی کشور از نقش برجسته شکل شاه، واحد اسناد و مدارک میراث فرهنگی کشور.
- باقری، ع.، ۱۳۷۱، جامعه و حکومت در ایران، کتاب اول: دوران قاجار، مرکز نشر بین‌الملل، تهران.
- بورکهارت، ت.، ۱۳۶۵، هنر اسلامی (زبان و بیان)، ترجمه مسعود رجب‌نیا، سروش، تهران.
- بهروزی، ع. ن.، ۱۳۵۴، بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، اداره کل فرهنگ استان فارس، شیراز.
- بیگدلو، ر.، ۱۳۸۰، باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران، نشر مرکز، تهران.
- دیبا، ل.، ۲۰۰۶، تصویر قدرت و قدرت تصویر، بنیاد مطالعات ایران‌شناسی (<http://fis-iran.org>).
- دیولانوف، ژ. پ.، ۱۳۶۹، ایران، کلد و شوش، ترجمه علی محمد فره‌وشی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- سپهر، م. ت.، ۱۳۷۷، ناسخ‌التواریخ، جلد ۱، اساطیر، تهران.
- ستوده، م.، ۱۳۴۹، از آستارا تا استارباد، جلد ۳، آثار و بناهای تاریخی مازندران غربی، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
- سرفراز، علی‌اکبر و فریدون آوزمانی، ۱۳۷۹، سکه‌های ایران، انتشارات سمت، تهران.
- عکاشه، ت.، ۱۳۸۰، نگارگری اسلامی، حوزه هنرهای سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
- فون گال، ه.، ۱۳۷۸، جنگ سواران در هنر ایرانی و هنر متأخر هنر ایرانی در دوره پارت و ساسانی، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، نسیم دانش، تهران.
- قدیانی، ع.، ۱۳۸۴، تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره قاجاریه، انتشارات فرهنگ مکتوب، تهران.
- کریستین سن، آریا، ۱۳۶۷، ایران در زمان ساسانیان، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- گذار، آ.، ۱۳۶۵، آثار ایران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
- مرادی، ی.، ۱۳۸۳، طاق بستان، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- مصطفوی کاشانی، م. ت.، ۱۳۴۳، اقلیم پارس، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
- معمدنی‌نسب، م. ر.، ۱۳۷۸، نظام اداری ساسانیان، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان‌های باستانی.
- مهبجوری، ع. ح.، ۱۳۸۵، تنگه واشی قربانی‌گردشگری بیمار، هفته‌نامه خبری-فرهنگی امرداد، شماره ۱۴۸.
- مهرین شوشتری، ع.، ۱۳۴۹، کشورداری و جامعه ایران در زمان ساسانیان، انتشارات عطایی.
- میردانش، م.، ۱۳۵۳، گزارش وزارت فرهنگ و هنر از نقش برجسته تنگه واشی، مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی کشور.
- وحیدنیاس، س. ا.، ۱۳۶۲، قرارها و قراردادهای (عصر قاجار)، انتشارات عطایی، تهران.
- ورهرام، غ. ر.، ۱۳۶۷، نظام سیاسی در سازمان‌های اجتماعی ایران عصر قاجار، نشر معین، تهران.

- Bausani, A., 1983, "The Qajar Period: An Epoch of Decade?", In *Qajar Iran, Political, Social And Cultural Change 1800-1925*, E. Bosworth and C. Hillenbrand (eds), p. 260.
- Curtis, J., 2000, "The Discovery Of Ancient Persia", In *Ancient Persia*, p. 84.
- Diba, L., 1998, "Images of Power and the Power of Images", In *Royal Persian Paintings, The Qajar Epoch 1785-1925*, L.S. Diba with M. Ekhtiar (eds), p.
- Luft, J.P., 2001, "The Qajar Rock Reliefs", *Iranhan Studies*, 34/1-4, p. 41.
- Meredith, C., 1971, "Early Qajar Administration. An Analysis of Its Development And function", *Iranian studies*, spring-summer, p. 61.
- Robinson, B.W., 1983, "Persian Royal Portraiture And The Qajars" In *QAJAR Iran, Political, Cultural And Cosial Chang 1800-1925*, E. Bosworth and C. Hillenberand (eds), p. 298.